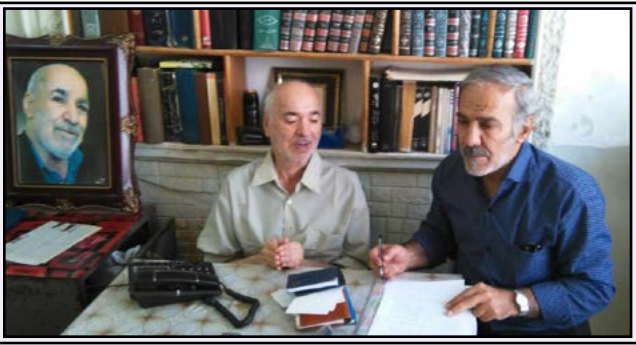


طلوع روزنامه

تاریخ
۱۰
تیر
۱۳۹۵
پنج شنبه

بر بال اندیشه ؛ گفتگو با استاد شکراله مرتجز

محمد رجبی



صفحه
۴
شماره
۱۷۱۴
سال
بیست و دوم

گفت و گو



آنچه انسان را به حیرت و امید دارد و از افراد، شخصیت برجسته می سازد، اندیشه و گفتار و رفتار است. استاد شکراله مرتجز، دارای روح بلند و اندیشه ی پویایی است که جهان را تفسیری زیبا نموده و زیبا می نگرد. او استوار و امیدوار می آموزد و به آموزش، شکوه می بخشد. بودن را بر پایه ی خرد بنا نهاده، دم را غنیمت شمرده، تلاشش در پرورش و آموزش تجلی یافته، معلولیت را معلول اراده ی خود ساخته و دارای چنان جاذبه ایست که انسان را او می دارد تا در مقابل توانش احساس ناتوانی کنیم، او دست پرورده ی خانواده ی با فرهنگی است که در دفاع مقدس، شهید و آزاده و ایثارگر به جامعه تقدیم داشته اند.

به پاس تشکر از تلاش ایشان، اول تیرماه ۱۳۹۵ مهرگانی برابر با ۱۵ رمضان ۱۴۳۷ مهگانی، به منزلشان رفتیم، گرم و صمیمانه مرا پذیرفت و با گفتاری حکیمانه سخن گفت و به پرسش هایم پاسخ داد.

با درود به شما و زنده یاد برادر بزرگوارتان و شهید حمیدرضا مرتجز، از روزنامه طلوع خدمت می رسم. لطف کنید برای خوانندگان خودتان را معرفی کنید.

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. با سلام به شما و آقای جعفری زاده و سایر کارکنان روزنامه طلوع، شکراله مرتجز، سال ۱۳۱۷ خورشیدی در

کازرون، محل مصلای میدان گازرا به دنیا آمدیم. چندمین فرزند خانواده ام، ما چهار برادر و دو خواهر بودیم که با پدر و مادر، هشت نفر می شدیم.

شادروان پدربزرگ چه شغلی داشت که این خانواده پرجمعیت را اداره می کرد؟ مرحوم پدرم معمار بود و کاشی نوشته های سردر دبیرستان شاهپور(بستانپور) و سالن امتحاناتش را او چسباند. آن موقع کسی که بتواند این کار را انجام دهد در کازرون نبود.

روحش شاد. پس بضاعت هنری هم داشته؟ بله، نقشه های ساختمان را هم خودش می کشید و اجرا می کرد!

بسیار خوب. استاد، تحصیلات را در چه آموزشگاه هایی گذراندید؟ ابتدایی و متوسطه را تا سیکل اول یعنی پایان کلاس نهم در دبیرستان شاهپور به پایان رساندم و در آزمون دانشسرای مقدماتی شرکت کردم، قبول شدم و برای ادامه تحصیل به شیراز رفتم.

در چه رشته ای فارغ التحصیل و کجا مشغول به تدریس شدید؟ رشته ی دیپلم علمی، از کازرون ۱۲ نفر سهمیه اداره فرهنگ بود. چون معدل بالایی داشتم سهمیه شهرستان کازرون شدم و همراهم ۱۳۳۹ خورشیدی در دبستان احمد مصلاهی و چندی بعد در مدرسه راهنمایی دکتر اقبال (زینب کبری) به تدریس پرداختم.

چه دروسی را در دبیرستان تدریس می کردید؟ من فیزیک و شیمی کلاس دهم یعنی سیکل دوم را تدریس می کردم و مرحوم داداش از کمارج آمد، در دبیرستان شاکر (مطهری) و دکتر اقبال(زینب کبری)، ریاضی، جبر و حساب تدریس می کرد.

زمان دانش آموزی به چه ورزشی علاقه داشتید؟ به والیبال علاقه داشتم و دوران ابتدایی بازی می کردم، ولی از سن ۱۳ سالگی برابم مشکل

جسمی پیش آمد و به مرور توانایی راه رفتن را گفتم.

جناب مرتجز با این حال شما از نانشستید و یادم هست که کلاسهای تقویتی هم برای دانش آموزان کازرون تشکیل دادید و من یکی از این دانش آموزان بودم که ریاضی را نزد زنده یاد برادرتان می آموختم.

بله. ابتدا در خانه و بعد که تعداد داوطلبان زیاد شد در آموزشگاه دکتر اقبال کلاسهای تقویتی راه انداختیم. من شیمی و فیزیک و مرحوم داداش ریاضی و شادروان آقای شریف زاده زبان انگلیسی تدریس می کرد.

شما با اینکه مدرک دیپلم علمی داشتید و در دبیرستان تدریس می کردید، اشل حقوقی تان چقدر بود؟ طبق حکم کارگزینی حقوق دریافت می کردم؛ ولی اضافه کار به ما می دادند.

اضافه کارها هم طبق حکم بود یا معادل مدرک لیسانس می پرداختند؟ اضافه کارها هم طبق حکم بود و حقوقش را دریافت نمی کردیم.

چرا؟ شما که به اندازه دانشتان دستمزد نمی گرفتید؟ آنها را برای کمک به دانش آموزان بی بضاعت و رشد توانایی علمی به آموزش و پرورش می بخشیدم.

درود به شما. پس کلاسهای تقویتی درآمد شما را تأمین می کرد؟ در کلاسهای تقویتی هم از کسانی که تمکن مالی نداشتند و می شناختم شهریه نمی گرفتیم. یک خاطره ای که در ذهنم مانده برایتان نقل می کنم؛ یکی از روزها دانش آموزی را دیدم که در حیاط قدم می زد. فرستادم دنبالش و گفتم چرا سر کلاس نمی آیی؟ گفت آقا شهریه ندارم بپردازم.

این مطلب را به زنده یاد داداش گفتم. ایشان فرمودند در تمام دروس میجانی ثبت نامش کنید. البته گفتن اینها درست نیست ولی چون شما اصرار می کنید و داداش هم از دنیا رفته می گویم.

درد به روح برادر بزرگوارتان و همه آموزگاران که بر سینه ایثار نکیه زده اند و انسانیت را به کمال رسانده اند. شما برخوردارتان با دانش آموزان چگونه بود؟ تنبیه هم داشتید؟ البته دانش آموز فضل نیک کلاس است و همیشه تعداد اندکی در بین دانش آموزان هست و پیدا می شود. من و مرحوم داداش سعی داشتیم تا رعایت حالشان کنیم و آنها را از خود نرنجانیم. در ضمن چون خانواده هایشان ما را می شناختند، به ندرت اتفاق می افتاد که دانش آموزی باعث بی نظمی شود.

استاد با توجه به خدمات ارزشمند شما و زنده یاد برادرتان به آموزش و پرورش، از شما در این مدت تجلی می شد؟ بله، آموزش و پرورش کازرون گزارش فعالیتهای مرا به وزارتخانه انعکاس داد و برایم نشان درجه دوم فرهنگی صادر شد که توسط سپهد علوی مقدم مدال و لوح سپاس به من اهدا کردید. همین قابی که می بینید.

بله، می بینم؛ از طرف وزارت آموزش و پرورش، بر اساس مصوب جلسه ی مورخ ۱۳۴۹/۱/۲۳ نظر به خدمات فرهنگی آقای شکراله شفق (مرتجز) به یک قطعه نشان فرهنگی درجه دوم نایل شده اید. چرا نام خانوادگی شما شفق نوشته شده؟ چون برخی مرتجز را غلط می نوشتند، فامیل شفق را جایگزین کردم.

استاد، مرتجز از مرتجی به معنای امیدوار گرفته شده و شما را به این نام می شناسند. اولین بار است که با نام خانوادگی شفق روبرو شدم. بله، درست می فرمایید. همه ی اهالی شهرستان کازرون ما را به مرتجز می شناسند.

به خاطر شایستگی در کسب مقام درجه دوم فرهنگی کشور به شما شادباش می گویم. آیا شما در فعالیت های سیاسی پیش از انقلاب هم شرکت داشتید؟ خیر، ولی داداش در حزب ایران که از زنده یاد دکتر مصدق حمایت می کرد، شرکت داشت و سخنگوی این حزب در کازرون بود.

اعضای این حزب در کازرون چه کسانی بودند؟ آقای محمد معنویان، آقای حسن حاتمی، آقای علی پولادی، آقای غلامحسین چوبینه و آقای یدالله صدیق از اعضای فعال این حزب در کازرون بودند که به جز آقای چوبینه، همه از دنیا رفته اند و از پروردگار برایشان آمرزش خواستارم.

خاطره ای که از آن دوران به یاد دارم را برایتان بازگو می کنم؛ بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی، مرحوم حسن حاتمی و مرحوم داداش روزنامه حزب را تحویل گرفته بودند و می شمرند، در همان حال پدر آقای حاتمی آمد و با دستخبر گفت: «شاه برکنته، شما هنوز روزنامه ضد شاه بخش می کنید»

چه جالب، استاد چه کسانی در پرورش و آموزش شما بیشتر نقش داشته اند؟ از همه ی آموزگاران و اساتیدی که به من دانش آموختند و تربیت نمودند سپاسگزارم. به ویژه آقایان عبدالرسول اولیا و ملک کازرونی معلمان کلاس دوم و چهارم ابتدایی من، آقای ابوطالب مهندس دبیر زبان انگلیسی و آقای ملک فسفای دبیر ریاضی سیکل اول دبیرستان شاهپور و آقایان احمد موحد و سید احمد نجفی مدیر و معاون دبستان احمد مصلاهی.

از دانش آموزان خوب چه کسانی در خاطرتان مانده و به آنها علاقه مندید؟ به همه ی دانش آموزانم علاقه دارم و از اینکه می بینم به جایی رسیده اند خوشحالم. ولی یکی بیش از دیگران در خاطرم مانده، زمانی که در دبستان احمد مصلاهی تدریس می کردم، چون آن موقع برادرم علی آقا مرا با موتورسیکلت به آموزشگاه می برد، کوچکی منتهی به مدرسه به خاطر بارندگی ناهموار شده بود و دست انداز داشت. دانش آموزی داشتیم به نام علیرضا عزمی که با خاک، شیارها را پر می کرد و کوچی را برای عبور ما هموار می ساخت تا به من آسیبی نرسد.

چه زیبا. آفرین به این دانش آموز فرهیخته. جناب مرتجز، چه سالی بازنست شدید؟ خدا نگهدارانتان.

سال ۱۳۶۲ با ۲۳ سال خدمت بازنشته شدم و لازم است یاد کنم که در طول مدت خدمتم همیشه صد در صد قبول داده ام.

آفرین، استاد داخل کتابخانه ی بالای سر شما، کتابهای علمی، تفسیر قرآن، دیوان شعر، آثار مرحوم مطهری، اودیس هومر و داستانهای ایران باستان به چشم می خورد. رمان هم خوانده اید؟ خیلی کم. بیشتر کتابهای علمی در رابطه با رشته ام می خوانم.

میشه یکی از رمان هایی که خوانده اید را نام ببرید؟ رومئو و جولیو و ویکتور هوگو را به خاطر دارم که روی افکارم خیلی اثر گذاشت.

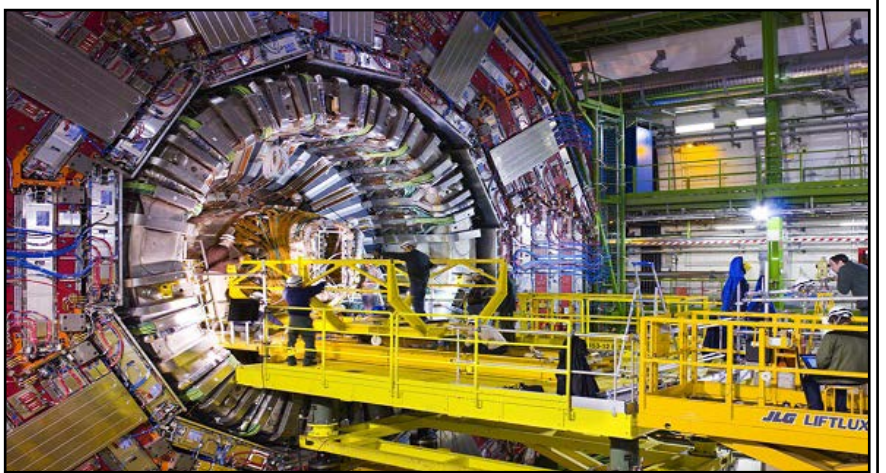
کدام قسمت این رمان روی شما اثر گذاشت؟ آنجایی که ژان وواژان گلدان های نقره کشیش را می رباید و فرار می کند، وقتی مأمورین او را دستگیر می کنند و نزد کشیش بازمی گردانند، کشیش به پاسپان ها می گوید چرا به او اتهام زد می زنید؟ این گلدانها را خودم به او بخشیده ام. اینجاست که شخصیت مثبت وواژان شکل می گیرد و از او عضو مفیدی برای جامعه ساخته می شود.

استاد، اگر بخواهید یک بیت شعر اثر گذار را معرفی کنید، چیست و از کیست؟ سروده فردوسی بزرگ؛ توانا بُود هر که دانا بُود- ز دانش لد پیر بُرنا بُود

استاد، در پایان اگر سخنی دارید بفرمایید. کشورشان باشند و از مدرسان انتظار دارم تا با عشق به آموزش شاگردان بپردازند که جایگاه معلم والا است و کارشان ارزشمند. به امید سربلندی ایران اسلامی و سپاس از شما آقای رجبی که زحمت کشیدید و این فرصت را برایم فراهم ساختید. سلام مرا به آقای جعفری زاده و همه ی کارکنان روزنامه ی طلوع برسانید. خدا نگهدارانتان.

شرح مختصر نظریه هیگز

محمد حسین بدیعی، دبیر فیزیک ناحیه یک شیراز



بر اساس نظریه هیگز، کل جهان ما را میدان هیگز فرا گرفته است. برای این که تصویری از میدان داشته باشیم، میدان آشکاتر الکترومغناطیس را در نظر بگیریم. همه شما احتمالاً این آزمایش معروف را یا انجام داده اید یا دیده اید که یک آهن ربا را زیر یک کاغذ می گذاریم، روی کاغذ براده های آهن می ریزیم و می بینیم که این براده ها در مسیرهای مشخصی که خطوط میدان مغناطیسی هستند، قرار می گیرند. در واقع آهن ربا یک میدان مغناطیسی دارد که بر موادی که خاصیت فلزی دارند تأثیر می گذارد.

بر اساس نظریه هیگز، مهم نیست اطراف یک جرم باشد یا جایی که فکر می کنید خلأ است؛ همه جا میدان هیگز وجود دارد. اگر می خواهید تصور بهتری از نوع حضور این میدان داشته باشید، یک آکواریم را تصور کنید که پر از آب است. برای ماهی های که درون این آکواریم است شاید بقیه فضای آکواریم خالی به نظر آید، اما می دانیم که مملو از ماده ای به نام آب است که این آب عمدتاً از ماده ای به نام مولکول آب تشکیل شده است.

میدان هیگز هم به همین ترتیب همه جا را در بر گرفته، ولی به جای مولکولهای آب از ذراتی جرم ثابتی دارد. به این ترتیب ذرات بنیادی بزرگی را می توان زمانی آشکار کرد که بتوانیم برخورد های بزرگی را میان ذرات بنیادی ایجاد کنیم و در شرایط آشوبناک و آزاد شدن انرژی حاصل از برخورد، این شانس را به وجود بیاوریم که این ذره برای مدتی ظاهر شود و آن را آشکار کنیم.

یکی از دلایل اصلی و هدف های علمی اولیه ساخت شتاب دهنده بزرگ هادرونی در مرکز تحقیقات سرن نیز تلاش برای آشکار کردن این ذره و تلاش سرن هم مانند تواترون در آزمایشگاه ملی فرمی به ثمر نمی رسید و بوزون هیگز پیدا نمی شد هم اتفاق مهمی در دنیای فیزیک محسوب می شد، چرا که در این صورت دانشمندان باید سراغ نظریات پیچیده تری برای توجیه جرم مواد برونند که به نام نظریات فارغ از هیگز معروف هستند.

شرح مختصری از چهار نیروی بنیادی

ابوالفضل محمدی، دبیر فیزیک ناحیه یک شیراز



۱- نیروی گرنانش: این نیرو در میان می دانیم میدان گرنانش در تمام اجسام جرم دار مشاهده می شود.

نیروی جاذبه بین دو بار ناهم نام و ... این ذره توسط ذراتی که عضو بوزون ها هستند حمل می شوند و بر آن ذرات نیرو اعمال می کنند. این نیرو نسبت به گرنانش میدان در نجوم کاربرد دارد زیرا این نیرو در فاصله های زیاد کارگر است.

برای مشخص کردن ضعیفی آن می توان از دو ذره استفاده کرد. اگر نیروی گرنانش بین آنها را محاسبه کنیم و با مقدار به دست آمده ی نیروی الکترومغناطیسی در رابطه کولن مقایسه کنیم در می یابیم که این نیرو حدود ده به توان چهل بار از نیروی الکترومغناطیسی کوچکتر است.

از روی این ناچیزی بعضی از دانشمندان آن را در نظر نمی گیرند.

۲- نیروی الکترومغناطیسی: وقتی قصد بحث از این نیرو را داریم باید در این مورد بارها سخن بگوییم. برای مثال جرم دار مشاهده می شود.

بر اساس یافته های نیوتن، نیروی گرنانش بین دو جسم برابر با حاصل ضرب جرم آنها بر مجذور فاصله ی آنهاست. این میدان در نجوم کاربرد دارد زیرا این نیرو در فاصله های زیاد کارگر است.

برای مشخص کردن ضعیفی آن می توان از دو ذره استفاده کرد. اگر نیروی گرنانش بین آنها را محاسبه کنیم و با مقدار به دست آمده ی نیروی الکترومغناطیسی در رابطه کولن مقایسه کنیم در می یابیم که این نیرو حدود ده به توان چهل بار از نیروی الکترومغناطیسی کوچکتر است.

از روی این ناچیزی بعضی از دانشمندان آن را در نظر نمی گیرند.

۴- نیروی ضعیف: این نیرو در فاصله های بسیار کم کارگر است. این نیرو در ذره های مشاهده می شود که نه حالت دوم و نه حالت سوم بر آنها اثر می کند.

این نیرو کارگرها و لپتون ها و سنگین را به کارگرها و لپتون های سبک تر می پاشاند.

آموزش و پرورش تطبیقی

دکتر سید عبدالرحمن اعتماد



آموزش و پرورش تطبیقی با مشاهدات مسافران و جهانگردان به وجود آمد. آنها احساسات خود را درباره فرهنگ و تعلیم و تربیت کشورهای مقصد بیان می کردند. البته انگیزه ای که این گروه را وادار می کرد مخاطرات سفر را تحمل نمایند دستیابی به اطلاعات از تعلیم و تربیت جوامع نبوده ولی در بین گزارش های آنها اطلاعاتی در زمینه تعلیم و تربیت و روش های تربیتی متداول به دست آمده، هر چند تفسیرها مبتنی بر ذهنیت است نه عنایت.

گزنفون از دوستان و شاگرد سقراط، اولین تطبیق گر شمرده می شود.

وی که متولد ۴۳۵ قبل از میلاد در آتن است در زمان کورش به ایران آمد و حاصل مشاهدات نزدیک خود از شیوه تعلیم و تربیت ایرانیان را به صورت دو اثر تحت عناوین تعلیم و تربیت و حقوق در ایران باستان و سیرت کورش نشان داد. که قدیمی ترین مطالعات در زمینه آموزش و پرورش تطبیقی است.

در شرق آسی. تی. سینگ در اواسط قرن هفتم، دانشگاه بودایی نالاندا در هند را توصیف کرده که گزارش های وی را می توان در زمره نخستین سری مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش شرق برشمرد.

منبع: رساله دکتری علوم تربیتی، گرایش برنامه درسی